

Emphasis on the implementation of Iranian-Islamic cultural policies has made it impossible to compare

Abstract

Emphasis on the implementation of Iranian-Islamic cultural policies has made it impossible to compare and evaluate political cultural acceptability in society. The aim of this study was to identify the components of cultural development. This study is a qualitative research of grounded theory type and the research community consists of 10 experts in the field of cultural development. In the next step, the hierarchies were weighted and ranked using the AHP method. The questionnaire was prepared, distributed and collected. A small part of this research was conducted based on Morgan model in a community of cultural experts consisting of 298 center managers. Analysis of the interview findings showed that the basic components of cultural centers include religious, employment, national and indigenous, clothing, health, research, lifestyle, technology and communication. The results of the Hierarchical Survey (AHP) show that the religious and religious index is the first priority and the national and indigenous indices, coverage, lifestyle, health, research, technology and communication, the incompatibility rate is the second to eighth priority. Meanwhile, the average of each of the indicators shows that the indicators of coverage, religion, research, health, employment, technology, lifestyle and national and indigenous indicators had the highest averages, respectively, and these results indicate a gap. Between managers and decision makers of training centers and executives.

Keywords: Cultural development, social policy, prioritization of indicators, data analysis of the foundation

شناسایی مولفه‌های توسعه فرهنگی در سیاستگذاری اجتماعی جمهوری اسلامی ایرانکامران بهزادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

سعید امام قلی زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

حمیدرضا رضوی^۳**چکیده**

تاکید بر اجرای سیاست‌های فرهنگی ایرانی اسلامی سبب شده تا نتوان به مقایسه و ارزیابی فرهنگ پذیری سیاسی در جامعه اقدام نمود. این پژوهش با هدف شناسایی مولفه‌های توسعه فرهنگی صورت گرفت. این مطالعه یک پژوهش کیفی از نوع گراند تئوری است و جامعه پژوهش را ۱۰ نفر از خبرگان صاحب نظر در زمینه توسعه فرهنگی تشکیل می‌دهد. در گام بعدی با روش سلسله مراتبی (AHP) وزن دهی و رتبه بندی شاخص‌ها صورت پذیرفت. پرسشنامه تنظیم و توزیع و جمع‌آوری شده است. بخش کمی این پژوهش بر اساس مدل کرجسی و مورگان در جامعه کارشناسان فرهنگی متشکل از ۲۹۸ نفر از مدیران مراکز اجرا گردید. تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه نشان داد که مولفه‌های اساسی مراکز فرهنگی شامل دینی و مذهبی، اشتغال، ملی و بومی، پوشش، سلامت، پژوهش، سبک زندگی، تکنولوژی و ارتباطات می‌باشد. نتایج پژوهش به روش سلسله مراتبی (AHP) نشان می‌دهد که شاخص دینی و مذهبی اولویت اول و شاخص‌های ملی و بومی، پوشش، سبک زندگی، سلامت، پژوهش، تکنولوژی و ارتباطات، نرخ ناسازگاری اولویت دوم تا هشتم بوده است. ضمناً میانگین هر یک از شاخص‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های پوشش، دینی و مذهبی، پژوهش، سلامت، اشتغال، تکنولوژی، سبک زندگی و شاخص ملی و بومی به ترتیب بالاترین میانگین‌ها را داشته‌اند که این نتایج حاکی از وجود شکاف بین مدیران و تصمیم‌گیران مراکز آموزشی و مجریان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: توسعه فرهنگی، اولویت بندی شاخص‌ها، تحلیل داده بنیاد

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات behzadikamran.99@gmail.com

^۲ استادیار گروه مدیریت دانشگاه غیرانتفاعی شمال Gholizadehsaeid@gmail.com نویسنده مسئول

^۳ استادیار گروه مدیریت دانشگاه غیرانتفاعی شمال. Hr.razavi1@gmail.com

توسعه و سیر تحول آن، دوره‌های متفاوت اما پیوسته‌ای را در جوامع بشری طی کرده است که هر کدام بر اساس پارادایم‌های خاص خود شکل گرفته است و با توجه به نارسایی‌هایی که داشته است زمینه ساز شکل‌گیری پارادایم جدیدی شده است. در سیر توسعه اما به موازات کاهش نقش ابعاد اقتصادی، شاهد افزایش کارکرد ابعاد فرهنگی و ارزشی هستیم. از سوی دیگر با افزایش نقش بعد فرهنگی در مسیر توسعه، توجه‌ها به نهاد آموزش بیش از پیش معطوف شده است؛ این نهاد که در پارادایم اقتصاد توسعه، کانون تربیت نیروی کار متخصص برای به گردش در آوردن چرخ‌های توسعه بود؛ امروز اما بار اصلی ترویج و نشر ارزش‌های توسعه در تمام ابعاد را در جامعه بدوش می‌کشد و اگر در فرایند سیاستگذاری‌های آموزشی به این کارکرد نهاد آموزش توجه نشود؛ فرایند توسعه در جامعه مختل خواهد شد. فلیپ برو سیاستگذاری عمومی را تجلی اراده حکومت در عرصه عمل (خودداری از عمل) می‌داند (وحید، ۱۳۸۸: ۱۶) از جمله عرصه‌های مهم سیاستگذاری عرصه فرهنگ می‌باشد چرا که فرهنگ یکی از مؤلفه اصلی توسعه پایدار است لذا ضروری است همزمان با سیاستگذاری در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی عرصه فرهنگ نیز مورد نظر سیاستگذاران قرار گیرد. با توجه به سیکل سیاستگذاری (مطابق با مدل جونز) که شامل شناخت مشکل، ارائه راه حل، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی می‌باشد صرف سیاستگذاری کافی نیست چرا که بایستی برای تعیین کارآیی یا عدم کارآیی سیاستگذاری‌ها سیاست‌ها مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی قرارگیرند تا در صورت عدم کارآیی سیاست‌ها تغییر و در صورت کارآیی سیاست‌ها تداوم یابند.

در بررسی موضوع توسعه فرهنگی و پرداختن به موانع آن در ایران، به سه پارادایم ایرانی-اسلامی و غربی، بگونه‌ای عمل نموده که علاوه بر حفظ ذخایر فرهنگ غنی ایران و اسلام، از غافله مدرنیته عقب نماند و به گونه‌ای عمل نکند که به عنوان افرادی انجماد فکر، سنت پرست و بیگانه با رشد تمدن معاصر در نظر گرفته شود. همچنین می‌بایست با تکیه بر داشته‌های فرهنگی و ساختارهای موجود، توسعه فرهنگی شکل گیرد. رهیافت درون‌زا به توسعه، مستلزم این است که زمینه فرهنگی-اجتماعی‌ای که توسعه در آن رخ می‌دهد و نیز شرایطی که به آن فرهنگ اختصاصی مربوط می‌شود، لحاظ و این رهیافت است که یکپارچگی توسعه و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را تضمین می‌کند. (فاضلی، ۱۳۷۶: ۱۱).

فرهنگ معال واژه لاتین کالچر به مفهوم جامعه‌شناختی با رویکردهای گوناگون تاریخی، تشریحی، روان‌شناختی و ساختارشناسانه تعریف شده است (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۵). فرهنگ جوهره هستی و ذات زندگی آدمی است که انسان را صاحب هویت و شخصیت می‌کند و با عناصر درونی خود تنش‌های درونی جامعه را کاهش می‌دهد. فرهنگ مجموعه‌ای از آداب و رسوم، عقاید و افکار، پندارها و باورها، گفتارها و کردارها ابداعات و اختراعات، هنرهارها و اعتقادات، هنر و ادبیات است که طی زمان در جامعه شکل گرفته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و عموم اعضای جامعه آنها را بصورت عادت به منصف ظهور می‌رساند (ازغندی، ۱۳۸۹: ۸۵).

تایلور فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، اعتقادات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به‌طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عاداتی که یک انسان به‌عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند تعریف می‌نماید و اپسنسر از

فرهنگ به عنوان محیط فوق جسمانی بشر یاد می‌کند که درصدد جدا کردن فرهنگ از عوامل جسمانی و طبیعی می‌باشد (محسنی، ۱۳۸۱: ۸۵). کلیفورد گیرتز فرهنگ را به مثابه نظامی معرفی می‌کند که دارای عناصری است که این عناصر در ارتباط با یکدیگر یک کلیت تام به وجود می‌آورند، مختصات اساسی یک نظام فرهنگی عبارتند از: فرهنگ ادغامگر است؛ فرهنگ هنجاری است؛ و فرهنگ جامع است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۲). بیخو پارخ فرهنگ را نظامی می‌داند از معنی و تأثیر که گروهی از مردم به مثابه قالب و میراثی تاریخی زندگی فردی و جمعی خود را بر اساس آن درک می‌کنند و می‌سازند (کریمی، ۱۳۹۰: ۱۴). در کنفرانس سیاستگذاری فرهنگی مکزیکوسیتی در سال ۱۹۸۲ فرهنگ چنین تعریف شده: «فرهنگ مجموعه کاملی است که دارای ویژگی‌های خاص روانی، جسمانی، فکری و احساسی که معرف یک گروه اجتماعی است می‌باشد. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات که شیوه‌های زندگی حقوق اساسی نوع بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را نیز دربر می‌گیرد» (وحید، ۱۳۸۳: ۲۵۶).

سیاستگذاری فرهنگی عبارت است از تعیین خط و مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف همکاری‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی، میراث فرهنگی و هویت فرهنگی که یونسکو با ارائه مفهوم توسعه فرهنگی آن را برای اولین بار مطرح کرد (همایون و جعفری، ۱۳۸۷: ۱۵). همچنین سیاستگذاری فرهنگی به اراده دولت در ایجاد یا تحکیم و یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ معطوف است که چنین اراده‌ای می‌تواند سلبی یا ایجاد باشد (وحید، ۱۳۸۶: ۲۲۸) از دیدگاه علم سیاستگذاری سیاست فرهنگی مقوله‌ای است دارای اهمیت راهبردی که بر توسعه پایدار اثر می‌گذارد و در واقع بخش اساسی آن است (اشتریان، ۱۳۸۱: ۱۰). سیاستگذاری فرهنگی دولت در دو سطح قابل توجه است، سطح اول که **Cultural Politics** به آن می‌گویند؛ به طور عام بر ارزش‌ها و اصولی اطلاق می‌شود که انسان‌ها را در مسائل فرهنگی هدایت و راهنمایی می‌کند در حقیقت این سیاست‌ها اصول کلی درباره اهداف اصلی و غایی در حوزه فرهنگ را ارائه می‌دهند. دوم سطح خط‌مشی‌های فرهنگی **Cultural Policy** است. این خط و مشی‌ها عینی‌تر بوده تدابیر و راهکارهای اجرایی را در اختیار دست اندرکاران قرار می‌دهد که تصمیمات و اقدامات آنان بر زندگی مردم تأثیرگذار است (ذکایی، شفیع و سادات، ۱۳۸۹: ۹۲-۹۱).

۱- مساله تحقیق

نظام اجتماعی به‌عنوان یک سیستم تلقی می‌شود و هرکدام از نهادها بمنزله اجزای آن سیستم در یک مجموعه به هم پیوسته‌ای در ارتباط با هم قرار گرفته‌اند حال اگر در سیستم اجتماعی دولت را به‌عنوان یک سازمان بزرگ در نظر آوریم درون آن، سازمان‌های متعدد دیگری وجود دارد که در بیشتر مواقع ممکن است سازمان‌های دولتی نماینگر بی‌انسجامی یا تقابل بین اجزای این سازمان باشند که ناشی از فقدان مرجعیت واحد یا مورد اجماع باشد مثلاً میان مرجعیت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مرجعیت‌های سازمان تبلیغات اسلامی رابطه نظام مند وجود ندارد فقدان یک چنین رابطه‌ای به کل سیستم سرایت نموده باعث ایجاد بی‌نظمی و مشکلات مختلف در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خواهد بود. بسیاری از سیاستگذاری‌های ما تابع چنین وضعیتی است، به‌طوری‌که سیاستگذاری‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران توسط نهادهای مختلف و بعضاً موازی

متولی فرهنگ با مرجعیت های متعدد که ارتباط نظام مند بین مرجعیت های بخشی نیز وجود ندارد یا خیلی کمتر شاهد این چنین ارتباطی هستیم شکل می‌گیرد تا جایی که گاهی برخی از این سیاستگذاری‌ها در نقطه مقابل هم قرار می‌گیرند که سبب ایجاد بی‌نظمی و در نتیجه عدم تعادل در سیستم اجتماعی می‌گردد که آثار و نتایج ناگواری به دنبال داشته است و اکنون شاهد بسیاری از مشکلات در حوزه های فرهنگی و متعاقب آن در حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستیم به‌عنوان نمونه بارز یکی از پیامدها مربوط به جامعه‌پذیری افراد در جامعه است.

از آنجایی که نظام اجتماعی دارای کارویژه های انسجام و همبستگی اجتماعی، نیل به اهداف و انطباق با شرایط جدید و متغییر و حل منازعات می باشد یکی از کارکردهای مهم کارکرد حفظ الگو می باشد. فرایندهایی که به کمک آنها اجتماعی شدن افراد تحقق می یابد در ذیل کارکرد حفظ الگو در جامعه قرار می‌گیرد در واقع از طریق جامعه پذیری است که فرهنگ به عاملان منتقل و توسط آنها درونی شده و عامل مهمی در انگیزش رفتار اجتماعی ایشان محسوب می‌گردد که این کارکرد توسط نهادهای اولیه (خانواده) و ثانویه (نظام آموزشی و رسانه) صورت می‌پذیرد (حقیقت، ۱۳۹۱: ۲۴۴-۲۴۲).

وقتی نهادهای متولی فرهنگ با مرجعیت های متعدد اقدام به سیاستگذاری نمایند بدون اینکه بین مرجعیت بخش ها هماهنگی باشد از جمله نتایج آن تناقض پرورش اجتماعی اولیه و ثانویه خواهد بود که از پیامدهای چنین تناقضی شکاف بین نسل‌ها و گسست فرهنگی خواهد بود. برای ایجاد تعادل بین اجزای مختلف سیستم اجتماعی بایستی ضمن بررسی آسیب های سیاستگذاری فرهنگی راه حل‌هایی به دستگاه های متولی فرهنگ ارائه گردد تا پس از انتخاب راه حل رضایتبخش در چارچوب مدل خردگرائی محدود به مرحله اجرا درآیند.

اصولاً توسعه تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود که یکی از ارکان آن جمعیت یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل های اقتصادی و اجتماعی درون مناطق است (فنی، ۱۳۸۲) بدین لحاظ توزیع عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت از خصیصه های مهم اقتصاد سالم و پویاست که برنامه ریزان جهت تحقق این امر تاکید بر کاهش نابرابریها و عدم تعادلها از طریق اجرای برنامه های متعدد محرومیت زدایی و تدوین برنامه های کارآمد و منطبق بر واقعیت دارند (بیات، ۱۳۸۸) توسعه را همچنین می‌توان بر حسب پیشرفت، حرکت به سوی اهداف رفاهی نظیر تقلیل فقر، بیکاری و کاهش نابرابری تعریف کرد. بنابراین زدودن فقر از جامعه و کاهش نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از اهداف توسعه و عدالت اجتماعی می‌باشند و طرفداران سیاستگزاران منطقه ایی بر این باورند که با کاستن از شکاف میان مناطق می‌توان از نابرابری میان گروههای اجتماعی کاست، هر چند نابرابریها در ساختار بنیادین هر جامعه اجتناب ناپذیرند اما مساله در شیوه عادلانه بودن آنهاست. (خاندوزی، ۱۳۹۴)

توسعه مفهومی بسیار گسترده با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، انسانی و پایدار است. بین انواع توسعه، رابطه متقابل و هماهنگ وجود دارد. برای رسیدن به توسعه باید تمامی این انواع، به تناسب و هماهنگی با یکدیگر در نظر گرفته شوند. ضرورت مطالعه و بررسی این حوزه ها برای شناخت آنها و کوشش در جهت رفع

موانع، پیشرفت و ترقی جامعه و رفاه همگانی بر کسی پوشیده نیست و این خود ارتباط تنگاتنگ توسعه با حیاتی‌ترین عرصه‌های زندگی مردم هر جامعه را نشان می‌دهد. (باقری، ۱۳۹۴)

به طور کلی، رویکرد علمی و عقلانی این است که تمامی ابعاد توسعه، یعنی توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی، توسعه حقوقی، توسعه سیاسی، توسعه علمی، توسعه اقتصادی، توسعه انسانی و توسعه اکولوژیک، را در یک رابطه متقابل در نظر گرفته شود. با توجه به بررسی‌های بعمل آمده در ادبیات تحقیق و همچنین بررسی‌های بعمل آمده در مراکز فرهنگی منجمله آموزش پرورش، تا کنون مدلی که به بحث توسعه مراکز فرهنگی پرداخته باشد، مشاهده نشده است.

۲- توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی عبارت است از نگرشی کل نگر به کلیه پدیده‌های دخیل و موثر در نظام فرهنگی به نحوی که محصول اجرا و پیاده‌سازی نگاه انسجامی و سازواری در عرصه مدیریت نهادها و مؤسسات فرهنگی می‌باشد. (صالحی امیری و کاووس، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۲)

توسعه فرهنگی عبارت است از توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های فرهنگی برای تمام شهروندان. در مفهوم توسعه می‌توان مفاهیمی همچون ترقی و تکامل را دید. (لهسایی زاده، ۱۳۸۶: ۳)

در توسعه فرهنگی به شناخت عناصر متشکله فرهنگ همچون هنر، ادبیات، آداب و رسوم و باورها و اعتقادات می‌پردازد و باید به شناخت سازوکارهای تبادل فرهنگی، فرهنگ‌های بومی منطقه‌ای بررسی تحولات جهانی فرهنگ‌ها و شناخت ابزارهای جدید ارتباطی و فرهنگی هم توجه داشته باشد، یا این ویژگی‌ها در جهان پر رقابت امروز با تکیه بر توانمندی‌های شناخت و درک موقعیت، همراه با تدوین و تهیه یک الگوی منسجم و موثر بر پایه تفکر استراتژیک امکان تحرک پویایی متناسب با نیازها و ضرورت‌های فکری و فرهنگی به دست می‌آید (زمان زاده، ۱۳۸۳: ۴۹) اما در بعد پویا بودن فرهنگ توسعه که معطوف ایجاد تغییر و تحول در عناصر فرهنگ به منظور انطباق آن با شرایط زمانی و مکانی و در نتیجه به نیازهای زمانه است. (عظیمی، ۱۳۸۶: ۱۵۸)

صاحب نظران توسعه فرهنگی توسعه را متأثر از عواملی همچون منابع طبیعی، سرمایه، نیروی انسانی دانسته و نهادهایی را به عنوان موتور محرک توسعه فرهنگی معرفی کرده‌اند. در این میان عامل انسانی اصلی‌ترین نقش را در نیل به اهداف توسعه فرهنگی به عهده دارد به طوری که امروز همه می‌پذیرند که موفقیت اقتصادی ژاپن هیچ ارتباطی به مواد خام نداشته و در عوض کاملاً مبتنی بر شیوه‌ی تعلیم و تربیت و نحوه‌ی اراده‌ی مردم بوده است. (چارلز، ۱۳۷۵: ۲۰) بنابر این آموزش را باید شرط اصلی توسعه دانست زیرا نهاد آموزش نهادی نگرش ساز است و آموزش عنصر اصلی توسعه نیروی انسانی است. (سرکارانی، ۱۳۸۴: ۱۶)

یکی از مسؤولیت‌های اساسی مدیریت فرهنگی در سطح ملی، پیشبرد توسعه فرهنگی است. مدیریت‌های فرهنگی در مسیر دستیابی به اهداف توسعه فرهنگی ناگزیر به استفاده از روش‌ها، تکنیک‌ها و ابزارهایی هستند که سیاست‌گذاری فرهنگی، در اولویت نخست و از مهم‌ترین آنهاست.

۳- مدل های توسعه فرهنگی در ایران

روش سیاست گذاری فرهنگی در ایران ترکیبی ناهمگون از برخی روش های تصدی گری تام، حمایتی حداکثری و حمایتی حداقلی دانست که آمیزه ای از تمرکز و عدم تمرکز در همه مراکز مؤثر در سیاست گذاری فرهنگی مشهود است که در کلیات، همگی پیرو سیاست فرهنگی اسلامی و ملی اند ولی هر یک با تعبیر و تفسیری خاص و تابع شرایط و اقتضائات ویژه به برنامه ریزی و اجرا می پردازند. مهمترین سند بالا دستی در زمینه توسعه فرهنگی سند سیاست فرهنگی ایران است که سه سال پیش از برگزاری نخستین کنفرانس جهانی یونسکو در مورد سیاست های فرهنگی یعنی در سال ۱۳۴۸ به تصویب رسیده (اجلالی، ۱۳۷۹: ۷۸) اما همانند «سند اصول سیاست فرهنگی کشور» مصوب ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی همواره با انتقاد مرکزگرایی مواجه بوده است و البته روال سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های بعدی نیز بر این انتقاد تاحد بسیاری صحنه گذارده است. یکی از صاحب نظران سیاست گذاری فرهنگی، این سند را «منشور دولت متصدی و دیدگاه تدوین کنندگان را نگاهی از بالا به پایین و نگاه دولتی به تمامی عرصه های فرهنگی کشور می دانند (وحید، ۱۳۸۲: ۱۵) دیگری آن را «سیاست گذاری اقتدارگرایانه» نام می نهد (کاشی، ۱۳۸۲: ۶۷-۵۱) مدل های فرهنگی موجود در یک دسته بندی به دیوان سالار، ارگانیک، مشارکتی و قبیله ای تقسیم می شود (اعرابی، ۱۳۸۸: ۱۳۰)

۴- مرور متون

رشیدی (۱۳۹۵) در مطالعه جامعه شناختی تأثیرات توسعه اقتصادی-اجتماعی بر هویت قومی در شهرستان مهاباد، در پی پاسخ به سؤالاتی در ارتباط با "چگونگی تأثیرات توسعه بر هویت جمعی" است و با توجه به ماهیت روش شناختی مورد استفاده به تبیین علل و عوامل، زمینه ها و شرایط، راهبردها و پیامدهای این تأثیر می پردازد و از روش نظریه ی بنیانی با مصاحبه های عمیق و مشارکت های میدانی در بین ساکنین شهرستان مهاباد استفاده کرده است. توسعه در لوای نوسازی و پروژه های اقتصادی و تکنولوژیک به صورت سطحی همه جوانب زندگی فردی و اجتماعی را تغییر داده است و موجب بحران هایی بر اجزای هویت قومی-کُردی شده است.

شاهسواری و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان بررسی اهمیت توسعه فرهنگی و تاثیر آن بر خود باوری جامعه بیان می دارد که؛ آنچه در مفهوم فرهنگ اهمیت دارد باورهای ذهنی و ارزشی است که می توان در روابط اجتماعی انسان هابصورت رفتار و کنش مشاهده کرد. توسعه فرهنگی منجر به خود باوری جامعه شده است، و این مسئله خود در شکل گیری و هویت فرهنگی جامعه نقش مهمی را ایفاء می نماید. توسعه فرهنگی در قالب اهمیت دادن به ارزش های محلی و ملی، باید بتواند از طریق برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی به نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه خود پاسخ دهد. سیاست فرهنگی از جمله مفاهیم مرتبط با توسعه فرهنگی است که در چند دهه اخیر به آن توجه شده است؛ هدف این پدیده پیشرفت و پویایی نوین و نظام مند جامعه است.

اسماعیل کاوسی (۱۳۹۴) به طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن پرداخت هدف اصلی در این مقاله شناسایی و ارایه الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن در کشور می باشد نتایج بدست آمده از آزمون فریدمن نیز نشان داد که فرهنگ در مقایسه با ۳ مؤلفه قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی در رتبه سوم اولویت قرار

دارد. اما در بخش میدانی، اعضای جامعه آماری به رغم مهم انگاشتن نقش فرهنگ در سیاست خارجی، تأثیر فرهنگ را در این زمینه کمتر از قدرت سیاسی و اقتصادی دانسته‌اند. است.

کلر، روابط بین فرهنگ و توسعه^۱ (۲۰۱۷). روابط بین فرهنگ و توسعه، متفاوت و سیستماتیک است. اصول مختلف رشد و توسعه، نشان دهنده تفاوت های فرهنگی سیستماتیک در توسعه یک مفهوم از خود: پویایی توسعه است. به رسمیت شناختن مسیرهای مختلف توسعه برای علوم پایه ضروری، و یک الزام اخلاقی برای زمینه های کاربردی است.

لوا زمیت و دیگران (۲۰۱۶)، نقش فعالیت های فرهنگی در توسعه جامعه است. هدف کلی این مطالعه بررسی تاثیر مشارکت در توسعه شهر ریگاست فعالیت های فرهنگی و تسهیلات به طور قابل توجهی بر توسعه فیزیکی محیط زیست تاثیر می گذارد زیرساخت ها در توسعه زندگی فرهنگی محله بسیار مهم هستند. فعالیت های فرهنگی در محله باید در همکاری نزدیک با ذینفعان انجام شود بخش های مختلف این می تواند به اثرات پایدار و دراز مدت منجر شود.

در تحقیقی که توسط کریستوفر کرون^۲ (۲۰۱۴) با عنوان توسعه فرهنگی جامعه برای تغییر اجتماعی: توسعه پراکسی انتقادی، به ایجاد، ترویج و بهبود فرصت های مشارکت، و توسعه شبکه و توانمندسازی در جوامع روستایی استرالیا پرداختند که در این تحقیق به توسعه به روش مشارکتی تاکید شده است.

آلبرت (۲۰۱۴) نقش فرهنگ در توسعه اجتماعی در طول زندگی: رویکرد روابط بین فردی این مقاله برخی از مزایای معایب مربوط به روانشناسی فرهنگی توسعه دهنده زندگی را برجسته کرده است. روش مقایسه پدیده های روانشناختی در زمینه های مختلف فرهنگی، امکان آزمون جهانی ها و توجه به جنبه های فرهنگی این فرآیندها را در نظر می گیرد. در نتیجه فرصتی برای غلبه بر تعصب قوم گرایی به همراه شانس برای جدا شدن متغیرهای دخیل دیگر ارائه شده است. رادکلیف (۲۰۰۶) در مقاله ای، ما تجزیه و تحلیل بحرانی پارادایم جدید فرهنگ و توسعه را توسعه می دهیم، که در فرهنگ به عنوان یک عامل در تفکر و سیاست توسعه در نظر گرفته شده است. هدف از تجزیه و تحلیل ما این است چگونه مفاهیم فرهنگی به تفکر و برنامه ریزی توسعه می رسند. در نظر گرفتن فرهنگ ها چندگانه و توسعه به عنوان مجموعه ای از شیوه ها و معانی فرهنگی تعبیه شده، رویکرد ما مسائل مربوط به اینکه چگونه پارادایم های توسعه مفاهیم صریح فرهنگی را تصویب کرده و یا در آنها هنجارهای فرهنگی ضمنی را وارد کرده اند، مطرح می شود.

در این فصل ادبیات تحقیق مرتبط با موضوع تحقیق گردآوری شد در ابتدا مفهوم توسعه و انواع آن مورد بررسی قرار گرفت با توجه عنوان تحقیق (توسعه فرهنگی مراکز فرهنگی) مقوله فوق مورد بررسی و اطلاعات لازم از

^۱ Heidi Keller

^۲ Baiba Tjarve1, Ieva Zemīte1

^۳ Christopher C. Sonn

^۴ Isabelle Albert

^۵ Radcliffe

منابع مختلف جمع آوری و طبقه بندی شد و با نگاه جامه گر، مقوله توسعه فرهنگی از بعد معنای و طیف مفهومی بررسی قرار گرفت فرهنگ از سایر امور و مقوله های دیگر جدا نیست تا جایی که کلر^۶ (۲۰۱۱) و کول^۷ و پکر^۸ (۲۰۱۶). بیان می دارند که، متغیر فرهنگی تصادفی نیست. پدیده های زیستی، تأثیرات فرهنگی و توسعه به طور جدایی ناپذیری در هم آمیخته اند از این رو این استدلال در مراکز فرهنگی از حیث این تحقیق مورد بررسی میدانی قرار گرفت در ادامه مباحث ادبیات تحقیق توسعه فرهنگی مراکز فرهنگی از حیث گراند تئوری اطلاعات لازم جمع آوری شد و با این منطق کلر و کارتنر^۹ (۲۰۱۳) که محیط های مختلف جامعه فرهنگی نیاز به روانشناسی متفاوت برای ایجاد و تسهیل صلاحیت در محیط های خاص دارد از این رو بررسی انواع الگوها مورد بررسی و تبیین شد در ادبیات فوق، هر الگو به متغیر خاصی اشاره نموده است که توضیحات لازم ارایه شد. در این تحقیق با توجه به الگو های ارایه شده و متغیرهای توسعه ای حاکم در مراکز فرهنگی، و همچنین بر اساس روش گراند تئوری الگوی لازم پیاده سازی می شود.

۵- فرضیه های پژوهش

۱. بعد دینی مذهبی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۲. بعد اشتغال اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۳. بعد ملی و بومی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۴. بعد پوشش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۵. بعد سلامت اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۶. بعد پژوهش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۷. بعد سبک زندگی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۸. بعد تکنولوژی و ارتباطات اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد.

۶- روش پژوهش، جامعه و نمونه آماری

این پژوهش از نوع تحقیقات ترکیبی (کیفی و کمی) بوده و جامعه آماری این پژوهش، بنا به ماهیت روش پژوهش تشکیل شده از دو گروه افراد است:

جامعه آماری بخش کیفی که از خبرگان این پژوهش عبارت است از آن دسته از مراکز فرهنگی، که نسبت به موضوع پژوهش مطلع بوده و می توانند اطلاعات باارزش را در اختیار پژوهش گر قرار دهند. بنابراین جامعه آماری در پژوهش حاضر خبرگانی که در زمینه الگوهای توسعه فرهنگی دارای دانش حرفه ای و تجربه در حوزه فرهنگ هستند می باشد که تعداد آنها برابر با ۱۰ نفر می باشند. جامعه آماری بخش کمی، نمونه گیری به صورت تصادفی طبقه ای ساده انجام شده است که در این پژوهش از کارشناسان، دبیران و مدیران مراکز

^۶Keller

^۷Cole

^۸Packer

^۹Kärtner

فرهنگی که به تعداد ۱۴۵۰ نفر بوده است که بر اساس جدول کرجسی مورگان ۳۰۲ نفر نمونه می باشد که ۳۲۰ پرسشنامه توزیع شده است که تعداد ۲۹۸ پرسشنامه عودت داده شد که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۷- ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش پس از مصاحبه و بر اساس اصول تحقیق داده بنیاد ابتدا شاخص‌های اصلی مشخص و سپس این شاخصها از طریق پرسشنامه ای که در پیوست می باشد توسط مدیران و معاونین شاغل در امور فرهنگی در مراکز آموزشی و سپس توسط دبیران پرورشی مورد بررسی قرار گرفت.

۸- سطح تحلیل داده بنیاد:

به منظور تحلیل داده ها از روش مقایسه مستمر داده های همزمان با گردآوری آنها استفاده شد. روش کار به این شکل است که پس از انجام هر مصاحبه، پیاده سازی انجام می شد و پس از مرور خط به خط و چندباره ی متن مصاحبه، مفاهیم اصلی آن استخراج شده و به صورت کدهایی ثبت می گردید (کدگذاری باز). و سپس بر اساس کدهای به دست آمده، در صورت نیاز مسیر مصاحبه ها برای رسیدن به اهداف پژوهش اصلاح می شد. این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که داده های به دست آمده به مرحله اشباع (تکرارپذیری) رسیده و دیگر مفاهیم جدیدی از درون مصاحبه ها استخراج نشد. پس از پایان مرحله کدگذاری باز، کلیه کدهای به دست آمده در کنار یکدیگر قرار گرفته و با مقایسه یک به یک آنها با یکدیگر کدهایی که از لحاظ معنا و مفهوم به هم نزدیک بودند در یک گروه قرار گرفته و بدین ترتیب کدگذاری محوری انجام شد. در مرحله پایانی (کدگذاری انتخابی) ارتباط بین گروههای تفکیک شده در مرحله قبل تعیین گردید.

نظریه زمینه ای، روش پیچیده ای دارد؛ زیرا در آن، محقق در همه مراحل تحقیق در رفت و برگشت است. او باید از چارچوب نظری به سوی پرسشها، از پرسشها به گردآوری و سپس به تحلیل برسد. در بعضی از زمینه ها، محقق دوباره به گردآوری داده ها می پردازد. در نامگذاری مفاهیم، به ناچار مجبور به مرور چارچوب می شود؛ زیرا انتخاب نام مناسب برای پدیده ها و مفاهیم، به ویژه پدیده مرکزی پژوهش، نیازمند توجه دقیق به چارچوب نظری است. این تحلیل داده ها است که نشان می دهد ما در مراحل بعد چه پرسشهایی باید داشته باشیم و به چه داده هایی نیاز خواهیم داشت. گراند تئوری، سه جزء مهم دارد: اولین جزء، مفاهیم اتمی. مفاهیم از داده های خام مرحله کدگذاری باز به دست می آیند. جزء دوم، مقوله ها است. مفاهیم یکدیگر مقایسه می کنیم تا شباهت ها و اختلاف های آنها مشخص شوند. نتیجه این فرایند، مقوله ها هستند که در سطحی انتزاعی تر به وجود آمده اند؛ بنابراین، مقوله ها حاصل گروه بندی و دسته بندی مفاهیم مانند جزء سوم، قضایا هستند. در حوزه قضایا، روابط نقش مهمی دارند؛ یعنی رابطه مقوله ها با هم و با مفاهیم سازنده آنها مشخص می شود. دو

رویه تحلیلی در نظریه زمینه ای عبارت اند از پرسش کردن و مقایسه کردن که هم در گروه بندی مفاهیم و هم در ساختن مقوله ها به کار می روند.

۹-سطح تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

برای تجزیه و تحلیل داده های کیفی پژوهش حاضر از نرم افزار Expert Choice 11 استفاده شده است. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، داده ها را وارد سیستم کرده و با استفاده از نرم افزار تحلیل داده ها صورت پذیرفت. نتایج در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است.

رتبه	ضریب	عنوان
۱	۰/۲۳۲	دینی و مذهبی
۲	۰/۱۹۱	ملی و بومی
۳	۰/۱۸۸	پوشش
۴	۰/۰۷۵	سبک زندگی
۵	۰/۰۷۴	سلامت
۶	۰/۰۶۱	پژوهش
۷	۰/۰۴۴	تکنولوژی و ارتباطات
۸	۰/۰۷	نرخ ناسازگاری

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود نرخ ناسازگاری مدل برابر با ۰/۰۷ است و با توجه به اینکه کمتر از ۰/۰۸ می باشد، نشانگر تأیید مدل می باشد. پس از مقایسه زوجی متغیرهای پژوهش، دینی و مذهبی با ضریب ۰/۲۳۲ به عنوان با اهمیت ترین متغیر شناسایی شد.

۱۰-سطح تحلیل کمی

تجزیه و تحلیل داده های کمی: به منظور تجزیه و تحلیل داده های کمی در این تحقیق از روش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۷ بهره گرفته شده است. برای توصیف و تحلیل داده ها از جداول توزیع فراوانی و درصدها برای توصیف ویژگی های دموگرافیکی و از جداول شاخص های آماری همراه با میزان t تک گروهی (جهت بررسی وضعیت موجود امکان سنجی بکارگیری مربی گری در مدارس آموزش و پرورش استفاده شده است. هم چنین در بخش تحلیل داده ها از مدل آماری t دو گروه مستقل با تأکید بر جنسیت و جدول تحلیل واریانس یک طرفه با تأکید بر سن، تحصیلات و سابقه خدمت استفاده شده است. علاوه بر استفاده از آزمون های پارامتریک فوق، در این پژوهش از آزمون ناپارامتریک فریدمن برای رتبه بندی مؤلفه های پژوهش استفاده گردید. نتایج آزمون t در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۲ - نتایج آزمون t متغیرهای تحقیق

گویه ها	آماره t	درجه آزادی	p-value	فاصله اطمینان ۹۵٪ جهت اختلاف میانگین	
				کران بالا	کران پایین
دینی مذهبی	۱۱۷/۵۵	۲۹۷	۰/۰۰۰	۳/۱۹	۳/۰۸
اشتغال	۹۳/۴۵	۲۹۷	۰/۰۰۰	۲/۹۵	۲/۸۳
ملی و بومی	۱۶۵/۷۶	۲۹۷	۰/۰۰۰	۲/۳۵	۲/۲۹
پوشش	۱۱۱/۰۱	۲۹۷	۰/۰۰۰	۳/۴۵	۳/۳۳
سلامت	۱۷۲/۰۰۸	۲۹۷	۰/۰۰۰	۳/۲۴	۳/۱۷
پژوهش	۱۶۹/۶۷	۲۹۷	۰/۰۰۰	۳/۱۲	۳/۰۵
سبک زندگی	۱۱۵/۱۲	۲۹۷	۰/۰۰۰	۲/۳۶	۲/۲۸
تکنولوژی و ارتباطات	۱۰۵/۷۶	۲۹۷	۰/۰۰۰	۲/۸۲	۲/۷۲

۱۱-آزمون فریدمن

آزمون فریدمن به منظور رتبه بندی ابعاد توسعه فرهنگی از دیدگاه ۲۹۸ نفر انجام شد که نتایج آن به شرح جدول ۳ می باشد.

جدول ۳ - رتبه بندی ابعاد از طریق آزمون فریدمن

رتبه	ابعاد
۱/۸۸	ملی و بومی
۱/۹۴	سبک زندگی
۳/۹۹	تکنولوژی
۴/۳۹	اشتغال
۵/۳۷	پژوهش
۵/۷۱	دینی مذهبی
۶/۲	سلامت
۶/۵۲	پوشش

از آنجایی که معناداری کمتر از ۰/۰۵ شده است، می توان نتیجه گرفت که اولویت ابعاد یکسان نیست و می بایست رتبه بندی شوند. اگر مقدار معناداری بیشتر از ۰/۰۵ بدست می آید، نشان دهنده ی آن بود که ابعاد از اهمیت و الویت یکسانی برخوردارند.

هدف سیاستگذاری فرهنگی بایستی معطوف به فراهم آوردن شرایط مناسب برای شکوفایی استعداد انسانها و اشاعه خلاقیت و نوآوری باشد و طبعاً چنین امری بدون مشارکت مردم امکان‌ناپذیر است و این خود در گرو ارتباط متقابل میان ملت و دولت است دولت زمانی می‌تواند در امور فرهنگی کارآمد باشد که فضائی فراهم آورد تا در آن شهروندان احساس قدرت کنند و باید وزن مسئولیت دولت به نفع افزایش نهادهای غیردولتی کاهش یابد، دولت می‌تواند با فراهم آوردن چارچوب حقوقی، سیستم نظارتی و ارزیابی بستر مناسب را برای فعالیت‌های فرهنگی فراهم و از نهادهای مردمی و غیردولتی حمایت کند دولت باید ضمن سیاستگذاری‌های هدایت‌کننده و تشویقی در امور فرهنگی میدان را برای اجرای برنامه‌های فرهنگی به نهادهای اجتماعی و فرهنگی جامعه واگذار نماید، نهادهایی مانند خانواده، مدرسه، دانشگاه، حوزه‌های علمی و انجمن‌های علمی (ناظمی اردکانی و کشاورز، ۱۳۸۵: ۱۴). بایستی بین نهادها و دستگاههای متولی سیاستگذاری فرهنگی به عنوان یک بخش یک رابطه ارگانیک و تعریف شده وجود داشته باشد و از هرگونه تداخل وظایف و موازی کاری‌ها به جهت اجتناب از هزینه‌های اضافی ممانعت نمود ضمن اینکه بایستی به همکاری‌های بین‌المللی در عرصه سیاستگذاری فرهنگی با حفظ اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی به عنوان یک فرصت طلایی نگریست. مفهوم تغییر توأم با رشد همواره به اشکال گوناگون مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است ولی توجه اختصاصی به مفهوم توسعه و برنامه‌ریزی جهت نیل به توسعه یافتگی از قرن بیستم تبدیل به هدفی ارزشمند برای اکثر کشورهای جهان شد که در راستای رسیدن به شاخصهای آن نامه ریزی توسعه صورت گرفته است این توجه از بعد از جنگ جهانی دوم و نیاز به بازسازی ویرانه‌های ناشی از جنگ، همچنین استقلال کشورهای مستعمره سابق شدت بیشتری یافت. برنامه‌ریزی ابتدا در کشور شوروی سابق انجام می‌شد که به دلیل موفقیت‌آمیز بودن آن سایر کشورها کم‌وبیش اقدام به تدوین برنامه جامع و متمرکز (همراه با مداخله گسترده دولت در تمامی وسایل تولید کالا و خدمات) نمودند. کشور ایران با آغاز نخستین تجربه برنامه‌ریزی در سال ۱۹۴۸ از پیشگامان این امر محسوب می‌شود.

در فرضیه اول ادعا شده بود که بعد دینی مذهبی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد. بر اساس P_value ۰/۰۰۰ که در سطح اطمینان ۹۵٪ این ادعا پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بعد دینی مذهبی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می‌گذارد. یافته‌های تحقیق حاضر با پژوهش رضا اسماعیلی (۱۳۸۵) و وحید ریاحی (۱۳۸۰) در یک راستا می‌باشد. فرضیه دوم یعنی بعد اشتغال نیز با مقدار P_value بعد اشتغال برابر ۰/۰۰۰ در سطح ۹۵٪ پذیرفته شد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بعد اشتغال اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می‌گذارد. در تبیین فرضیه فرعی دوم این تحقیق می‌توان گفت، این یافته‌ها با پژوهش‌های رشیدی (۱۳۹۵) و ماریموت و دیگران (۲۰۰۹) هم راستا می‌باشد.

فرضیه سوم یعنی بعد ملی و بومی با مقدار P_value برابر ۰/۰۰۰ در سطح ۹۵٪ پذیرفته و مشخص شد که اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می‌گذارد. این یافته‌های تحقیق حاضر، آلبرت (۲۰۱۴) و اسماعیلی (۱۳۸۵)

همراستا می باشد. فرضیه چهارم یعنی بعد پوشش نیز با مقدار P_value ۰/۰۰۰ در سطح ۹۵٪ پذیرفته شد. می توان نتیجه گرفت که بعد پوشش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می گذارد. این یافته با نتایج تحقیق کشاورز (۱۳۹۲) محسنی (۱۳۸۷) همراستا می باشد.

فرضیه پنجم فرعی یعنی بعد سلامت نیز با مقدار P_value ۰/۰۰۰ بوده که در نتیجه فرض صفر در سلامت اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می گذارد. در تبیین فرضیه سوم این تحقیق می توان گفت، یافته های تحقیق حاضر، رشیدی (۱۳۹۵) و شاهسواری و دیگران (۱۳۹۴) و لیاقت دار (۱۳۹۴) همراستا می باشد.

در فرضیه ششم فرعی بعد پژوهش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد. جهت بدست آوردن میزان این رابطه از روش تی تک نمونه ای استفاده گردیده است. نتایج تحلیل داده ها نشان می دهد، مقدار P_value ۰/۰۰۰ بوده که در نتیجه فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بعد پژوهش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می گذارد. در تبیین فرضیه سوم این تحقیق می توان گفت، یافته های تحقیق حاضر، رسولی (۱۳۹۱)، کبیری صرافی زاده (۱۳۹۰) همراستا می باشد.

ادعای فرضیه های هفتم یعنی بعد سبک زندگی و فرعی یعنی بعد تکنولوژی و ارتباطات با مقدار P_value بعد اشتغال برابر ۰/۰۰۰ در سطح ۹۵٪ پذیرفته شد. این یافته به ترتیب با رضوانی (۱۳۸۳) و اسماعیلی (۱۳۸۵) (و لطفی، (۱۳۸۹)، قدمی (۱۳۸۹) همراستا می باشد.

از دیدگاه محقق برای داشتن سیاستگذاری های فرهنگی مطلوب بایستی نکات ذیل مورد توجه جدی قرار گیرند:

- ۱) نهادینه کردن نهادهای جامعه مدنی از جمله احزاب سیاسی و اعتماد نمودن به بخش های خصوصی جامعه.
- ۲) بایستی نگاه تصدی گرایانه دولت به سمت نظارت تغییر پیدا کند چرا که در بسیاری از عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که دولت به طور مستقیم ورود پیدا نموده نه تنها اوضاع بهبود پیدا نکرده بلکه به سمت وخامت نیز سوق یافته است.

- ۳) عصر حاضر عصر ارتباطات بین المللی و منطقه ای است و کشورهای اسلامی و بویژه مسلمان منطقه از پتانسیل های خوبی برخوردار هستند همانطوری که در سیاستگذاری های اقتصادی و سیاسی باید واقعیت ها و همکاری های بین المللی مد نظر قرار گیرند بایستی در سیاستگذاری های فرهنگی نیز واقعیت های بین المللی که از جمله آنها همکاری های بین المللی و منطقه ای است نیز مد نظر قرار گیرد. لذا از آنجایی که فرهنگ ما با فرهنگ بسیاری از کشورهای منطقه دارای نقاط اشتراک زیادی هست می توان در سایه همکاری های منطقه ای و حتی فرامنطقه ای اقدام به تشکیل و تأسیس نهادی منطقه ای یا بین المللی با عضویت فعال کشورهای اسلامی همچون نهادهای بین المللی دیگر با هدف همکاری در زمینه تدوین سیاستگذاری های مشترک فرهنگی اقدام نمود این مساله ضمن ایجاد یک جبهه فرهنگی قوی و واحد در برابر برخی از آثار فرهنگی پدیده جهانی شدن می تواند در آینده کشورهای عضو را به یک قطب فرهنگی تبدیل نماید. لذا جمهوری اسلامی ایران می تواند با حفظ اصول و آرمان های انقلاب اسلامی و با استفاده از تجربیات کشورهای اسلامی موفق مثل برخی از کشورهای شرق آسیا تعامل و همکاری سازنده ای در راستای مرتفع نمودن برخی از مشکلات خود در حوزه سیاستگذاری فرهنگی داشته باشد.

انجام اصلاحات اجرایی زیر به عنوان یک راهکار اجرایی، پیشنهاد می شود:

۱. تقویت مهارت‌ها و شایستگی‌های کارکنان مراکز فرهنگی و آموزشی
۲. فراهم کردن بستر مناسب برای ایجاد انگیزش
۳. فرهنگ سازی که موتور محرکه پیشرفت محسوب می شود.
۳. آموزش ضمن خدمت و کاربردی، برای مراکز فرهنگی، آموزشی و بسترسازی لازم برای توسعه فرهنگ

- اجلالی، پرویز (۱۳۷۹)، سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی در ایران، تهران: نشر آن.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات
- دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۲ الف). روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مطالعات سازمان و مدیریت. (فصل هشتم از کتاب روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع). انتشارات صفار. چاپ دوم. ۲۷۶ صفحه.
- دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۲ ب). استراتژی پژوهش‌های ترکیبی در مطالعات سازمان و مدیریت. (فصل هشتم از کتاب روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع). انتشارات صفار. چاپ دوم. ۲۷۶ صفحه.
- دانایی‌فرد، حسن. الوانی، سید مهدی. آذر، عادل. (۱۳۸۶) روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. انتشارات اشراقی. تهران.
- رادریگز، کارل (۱۳۸۰)، مدیریت در عرصه‌های بین‌المللی. ترجمه‌ی شمس‌الاسادات زاهدی و حسن دانایی‌فرد، تهران: صفار
- رضوانی، محمد رضا، (۱۳۸۳)؛ سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان سنندج با استفاده از GIS مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۳
- صالحی امیری، سید رضا و همکاران (۱۳۸۹) - توسعه فرهنگی - تهران - پژوهشکده تحقیقات راهبردی: ۱۳۸۹
- صالحی، امیری، رضا (۱۳۸۲). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران، ققنوس
- شایان، حمید (۱۳۷۹)؛ مقدمه‌ای بر توسعه انسانی و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای اسلامی، مجموعه مقالات رویکرد فرهنگی به جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد
- شریف زاده فتاح و کاظمی، مهدی (۱۳۷۷)، مدیریت و فرهنگ سازمانی، چاپ اول تهران انتشارات قومس.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۶)، «فرهنگ سازمانی» (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول،
- فاضلی، نعمت‌الله و همکاران (۱۳۷۶)، فرهنگ و توسعه - تهران - سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۸). از فرهنگ تا توسعه با تاکید بر مسائل توسعه، تهران، نشر فردوس.
- قره‌باغیان مرتضی (۱۳۷۰)، اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، تهران: نشرنی.
- عابدی، سید حسن؛ «پایان نامه بررسی فرهنگ سازمانی حاکم و شناسایی و شناخت ویژگی‌های اصلی آن در شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت توسعه منابع انسانی، موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، ۱۳۸۴.
- کاشی، غلامرضا؛ محمدجواد مجید و حید، (۱۳۸۲) سیاست گذاری و فرهنگ در ایران امروز (مجموعه مقالات همایش)، تهران: نشر باز
- کلاتنری، خلیل (۱۳۷۷)، مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۲-۱۳۱، مرداد و شهریور.
- مقیمی، محمد (۱۳۸۰) سازمان و مدیریت با رویکردی پژوهشی. تهران: انتشارات ترمه.

مک‌گریگور و دیگران (۱۳۷۹) مدیریت استراتژیک، ترجمه ی عباس منوریان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

میتز برگ، هنری؛ جیمز براین کوپین و ام. جیمز رابرت (۱۳۷۶) مدیریت استراتژیک (فرایند). ترجمه ی محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

وحید، مجید (۱۳۸۲)، از فرهنگ سیاست‌گذری تا سیاست‌گذاری فرهنگی سیاست‌گذاری و فرهنگ؛ در ایران امروز (مجموعه مقالات همایش)، تهران: نشر باز، صص ۹-۱۸.

Keller, H., & Kärtner, J. (2013). Development – The culture-specific solution of universal developmental tasks. In M. L. Gelfand, C.-Y., Chiu, & Hong, Y. Y. (Eds.), *Advances in culture and psychology, Vol. 3* (pp. 63–116). Oxford, NY: Oxford University Press.

Keller, H., Völker, S., & Yovsi, R. D. (2005). Conceptions of parenting in different cultural communities. The case of West African Nso and Northern German women. *Social Development, 14*(1), 158–180.

Keller, H., Yovsi, R. D., & Voelker, S. (2002). The role of motor stimulation in parental ethnotheories. The case of Cameroonian Nso and German women. *Journal of Cross-Cultural Psychology, 33*(4), 398–414.

Kärtner, J., Holodyski, M., & Wörmann, V. (2013). Parental ethnotheories, social practice and the culture-specific development of the social smile in infants. *Mind, Culture, and Activity, 20*(1), 9-95.

Keller, H. (2007). *Cultures of infancy*. Mahwah, NJ: Erlbaum.

Keller, H. (2011). Biology, culture and development: conceptual and methodological considerations. In F. J. R. van de Vijver, A. Chasiotis & S. Breugelmans (Eds.), *Fundamental questions in cross-cultural psychology* (pp. 312–340). Cambridge, GB: Cambridge University Press.

Cole, M., & Packer, (2016). A bio-cultural-historical approach to the study of development In M. J. Gelfand, C.-Y. Chiu & Y.-y. Hong (Eds.). *Handbook of advances in culture and psychology, Vol. 6*. Retrieved January, 16, 2017.

Pandit, N. R. (1996). The creation of theory: A recent application of the grounded theory method. *The qualitative report, 2*(4), 1-15